




ORIGINAL RESEARCH PAPER

The Theory of Duty to Pay Blood Money in Unintentional Homicide by Relatives

Amir PoorShahroodi¹  Akbar Fallah^{2*}, Ali Faghihi³, Mohammad Ali Kheirollahi³

Received:

24 May 2021

Revised:

27 Aug 2021

Accepted:

07 Sep 2021

Available Online:

01 Oct 2021

Keywords:

Duty to Pay Blood Money,
Unintentional Homicide,
Relatives.

Abstract

Background and Aim: The process of transferring the duty to pay blood money from the killer to his/her relatives is the aim of this article. We focus on the opinions of Imam Khomeini, Ayatollah Khomeini, Saheb Javaher and Iranian statutory laws.

Materials and Methods: This research has been carried out in a library using descriptive-analytical research methods.

Ethical Considerations: Ethical considerations related to writing texts and referring to sources was observed.

Findings: The results of the research show that Saheb Javaher is the first jurist who did not accept the duty of relatives to pay blood money in unintentional homicide. After him, Ayatollah Khomeini has reinforced this view. Imam Khomeini, however has a different view.

Conclusion: The authors believe that it is duty of relatives to pay blood money in unintentional homicide.

¹ PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

^{2*} Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran. (Corresponding Author)

Email: akbar.fallah4040@gmail.com Phone: +989111149406

³ Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

Please Cite This Article As: PoorShahroodi, A; Fallah, A; Faghihi, A & Kheirollahi, MA (2021). "The Theory of Duty to Pay Blood Money in Unintentional Homicide by Relatives". *Interdisciplinary Legal Research*, 2 (3): 43-57.



واکاوی نظریه وجوب وضعی دیه در قتل خطایی در مقایسه با نظریه تکلیفی؛

با رویکردی بر آرای امام خمینی، آیت‌اله خوئی و صاحب جواهر و قوانین موضوعه

امیر پورشاهرودی^۱، اکبر فلاح^{۲*}، علی فقیهی^۳، محمدعلی خیراللهی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران. (نویسنده مسؤل)

Email: Akbar.fallah4040@gmail.com

۳. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۳ ویرایش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۵ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۶ انتشار: ۱۴۰۰/۰۷/۰۹

چکیده

زمینه و هدف: دستیابی به نحوه چگونگی فرآیند انتقال ضمان از قاتل به عاقله، بنیان پژوهش و منشاء شکل‌گیری واکاوی نظریه وجوب وضعی دیه در قتل خطائی در مقایسه با نظریه تکلیفی را پایه‌گذاری نموده است. تحلیل این جایگاه و واکاوی آن در آموزه‌های فقهی مکتب امامیه با تأکید بر آراء و اندیشه‌های امام خمینی، آیت‌اله خوئی و صاحب جواهر و قوانین موضوعه ایران از اهداف این تحقیق است.

مواد و روش‌ها: این پژوهش کتابخانه‌ای و به شیوهی پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی به اجرا درآمده است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان می‌دهد صاحب جواهر اولین فقیهی است که ضمان ابتدایی عاقله را نپذیرفته است. پس از او، آیت‌اله خوئی این نظر را تقویت کرده است. یافته‌های پژوهش حکایت از دو رویکرد فقهی می‌نماید؛ امام خمینی قائل است حکم اولیه دیه قتل خطائی، بر عهده عاقله و ثبوت آن بر عاقله از باب وجوب وضعی است. در حالیکه صاحب جواهر و آیت‌اله خوئی معتقدند ثبوت دیه از باب وجوب تکلیفی است نه وضعی.

نتیجه‌گیری: نظر نگارنده بر آن است که کاوش‌های فقهی بر معتبر بودن وجوب وضعی تصریح دارد، گرچه برخی از بزرگان اصحاب بر وجوب تکلیفی بودن الزام عاقله موافقت نموده‌اند.

کلمات کلیدی: وجوب وضعی دیه، قتل خطایی، وجوب تکلیفی، عاقله.

مقدمه

۱- بیان موضوع

تحریم قتل انسان‌های بی‌گناه و مظلوم از جمله مسائل مهمی است که بازتاب گسترده‌ای در شریعت مطهر اسلام دارد. در آیات قرآن کریم این مسأله به‌وضوح و مکرر مورد منع و نهی شدید شارع مقدس قرار گرفته است: **وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطٰنًا** (انعام/۱۵۱)؛ (اسراء/۳۳) بسیاری از فقیهان امامیه هنگامی که وارد این مبحث شده‌اند در آثار و تألیفات و تصنیفات فقهی خود از زوایای مختلف و با دلایل و براهین مستدل و متقن سه‌گانه قرآن، سنت قطعی و اجماع رویکرد فقهی خود را اظهار کرده‌اند و مستند بر آن ادله، فتوا داده‌اند. مضافاً آنکه تحریم قتل را بی‌شک با دلیل عقل نیز می‌توان اثبات کرد. از سوی دیگر، «الزام و تعهد به ادای دیه‌ی قتل انسان مظلوم و بی‌گناه، به‌ویژه در قتل خطایی به صاحبان خون که قدمت این مسأله از عصر حاکمیت پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله و سلم و اهل بیت مکرّمش ائمه معصومین علیهم السلام بوده است.» (احمدوند، ۱۳۸۷: ۱۱۳ و ۱۱۴) بازتاب گسترده آن در آیات و روایات و اندیشه‌ی فقیهان به روشنی مشهود می‌باشد و این موضوع از دیر باز، در کانون توجه اندیشوران اسلامی قرار گرفته است به گونه‌ای که کمتر فقیهی را می‌توان یافت که به این مسأله مهم نپرداخته باشد تا آنجا که حتی گستردگی بازتاب آن در روایات و پیشینه آن را می‌توان در آثار و تألیفات و تصنیفات روایی محدثان شیعه نیز مشاهده نمود. از جمله «وسائل الشیعه» به عنوان یکی از آثار ارزشمند شیخ حر عاملی، «اصول کافی» از آثار فاخر و ماندگار شیخ کلینی، «من لایحضره الفقیه» از مهم‌ترین اثر گران‌سنگ محدث شهیر شیخ صدوق و «بحار الانوار» از تألیفات مشهور علامه مجلسی به شمار می‌آیند که به‌طور فراوان به بیان اخبار و روایات مربوط به دیات پرداخته‌اند.

آنچه از این تحقیق و پژوهش مطمح نظر است از یک‌سو، طرح دیدگاه‌ها و تضارب افکار و وجوه اشتراک و افتراق آراء فقیهان امامیه است که بر اساس احترام به نظرات فقهی آنان و اتقان بودن مطالب استوار گشته و از سوی دیگر، ورود به حوزه قوانین جزایی می‌باشد تا از رهگذر آن بتوانیم با واکاوی و کنکاشی دقیق و ظریف گامی در جهت بالندگی و پویایی قوانین موضوعه برداریم و با رعایت امانت در نقل مطالب در حد وسع خویش دریچه‌ای به سوی پژوهشگران و علاقه‌مندان علم و معرفت بگشاییم. این تحقیق به دنبال آن است که اقوال مطرح شده در موضوع مورد بحث را به واکاوی بپردازد، روش تحقیق و الهام بخشی که پژوهشگران این مقاله بدان پرداخته‌اند به‌صورت توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد. هدف از این تحقیق، واکاوی در مکتب امامیه و آرای فقهی امام خمینی ره، آیت‌اله خوبی و صاحب جواهر و مطابقت آن با قوانین موضوعه است. اهمیت و ضرورت پرداختن بحث به جهت آشنایی با آراء و نظریه‌هایی است که تاکنون درباره‌ی جبران خسارت به زیان‌دیدگان در قتل نفس پدید آمده است. حال اگر با توجه به ادله موجود، بتوان شخص پرداخت کننده دیه قتل نفس به ویژه قتل خطائی را اثبات نمود و به درستی تبیین کرد چه کس یا کسانی مسؤول پرداخت دیه مزبور هستند، بار سنگینی از دوش سایرین برداشته خواهد شد. بطور کلی، تشخیص موضوع الزام و تعهد در قبال تعرض نسبت به جان دیگران، به هر انگیزه‌ای صورت پذیرد، از نظر متون جزایی حائز اهمیت است. بنابر این لازم است احراز و اثبات موضوع قتل دقیقاً مورد توجه و بررسی قرار گیرد. امعان در مسائل فوق، اهمیت بحث و شناخت موضوع را به‌خوبی روشن می‌کند و نشان می‌دهد الزام و تعهد به ادای حقوق صاحبان خون از چه جایگاهی برخوردار است.

نوآوری‌های که در این تحقیق پیش‌بینی شده است را می‌توان آشنایی با طرح دیدگاه‌ها و تضارب افکار و

اندیشه‌های فقهی فقیهان به‌منظور بهره‌گیری صحیح از آن آراء و اندیشه‌ها، دستیابی به وجوه اشتراک و افتراق آراء و نظرات فقهی به منظور درس‌آموزی از تجربه‌های فقهی و اجتهادی فقیهان مکتب شیعی را اشاره کرد. از سوی دیگر، تبیین امکان‌پذیری مستدل شکل‌دهی تحلیل محتوایی و اسنادی متون جزایی اسلامی و برشمردن مبانی روایی آن و دست یافتن به نوعی چارچوب فقهی-قانونی درباره فهم موضوع در قانون مجازات اسلامی ایران جنبه نوآوری آن را دو چندان می‌نماید.

مسئله قتل و ریختن خون انسان‌های بی‌گناه به‌عنوان یک عمل ناپسند اجتماعی، اخلاقی همیشه به نوعی مبتلابه تمام جوامع بوده است. بر این اساس، تعالیم حیات بخش شرع انور، یکی از حقوق مسلم بشریت را حفظ جان او دانسته به‌طوری که هیچ فردی بدون دلیل مشروع اجازه تعدی به این حق انسانی را ندارد. چنانچه جان شخصی حتی به گونه‌ی خطایی هم ستانده شود، باید تاوان آن به صاحبان خون پرداخته گردد. بازتاب این تاوان و جبران خسارت در منطق قرآن کریم به‌وضوح مشهود است: **وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ دِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا.** (نساء/۹۲) در قوانین موضوعه ایران نیز مطابق با احکام شرع انور و متأثر از فقه امامیه، این موضوع مورد توجه و عنایت قانون‌نویسان واقع گردیده است.

پیش از واکاوی و تحقیق، آنچه در نهانخانه ذهن پرسش‌گران این نوشتار نقش بسته و نکته مورد سؤال قرار گرفته است را می‌توان در سه سؤال اساسی ذیل فهرست نمود:

۱- کیفیت انتقال ضمان از قاتل به عاقله چگونه است؟ آیا اصلاً ضمان عاقله به نحو حکم وضعی است یا حکم تکلیفی؟

۲- آیا وجوب تکلیفی یا وضعی بودن مسأله، تأثیری در تعیین شخص یا اشخاص پرداخت کننده دیه خواهد داشت؟ یا چنین چیزی مطرح نیست؟

۳- شیوه قانونگذار در تصویب لوایح و مقرارت جزایی و تأسیس قوانین موضوعه مبتنی بر کدام نظریه و متأثر از کدام آراء بوده و آیا از نظریه بنیانگذار انقلاب اسلامی امام خمینی، به نوان نظریه فقیه اعلم که مبانی فقهی‌اش مبتنی بر فقه جواهری استوار گشته یا از قول مشهور، و یا غیر آن اقتباس شده است؟

اینها سؤالاتی است که در مجموع باعث طرح مسأله واکاوی نظریه وجوب وضعی دیه در قتل خطائی در مقایسه با نظریه تکلیفی در نوشتار حاضر شده است و پاسخ به سؤالات فوق، منشاء شکل‌گیری و بنیان این تحقیق را پایه‌گذاری نموده است.

بدیهی است برای نیل به این مقصد و شناخت دقیق موضوع، در آراء و اندیشه‌ها و گفته‌های فقیهان صاحب نظر همچون امام خمینی، آیت‌اله خویی و صاحب جواهر تأملی افکنده، تا جایگاه درست مسأله، از دیدگاه نصوص شرعی و نیز از جهت قرائن محتمل به هر یک از این نظرات، روشن گردد، و هم بتوان دریافت که مقنن در تصویب لوایح و مقرارت جزایی و تأسیس قوانین موضوعه از کدام نظریه فقهی متأثر شده است. مطالعه در این بستر می‌تواند افق دید درباره درک عمیقی از مفاهیم و نظریه‌های اجتهادی و فقهاتی را گسترش دهد و به نوعی، به چارچوب فقهی-قانونی درباره فهم موضوع در قانون مجازات اسلامی ایران دست یافت.

۲- تبیین مفاهیم

با توجه به مطالب مقدمه و استمداد از نکات مذکور در طرح مسأله، برای دستیابی به پاسخ سؤالات، به تبیین مفهوم «عاقله» اشاره خواهد شد و در این چشم انداز، تلاش برای تبیین علمی و گزینش تعریف «عاقله» با مطالعه و دقت در معانی واژه آن، مفاهیم کلی و موارد استعمال لفظ عاقله،

مصادیق آن را از عرف لغت‌شناسان و از نظر فقه، در اخبار و روایات و کلمات فقیهان و عبارت قانون‌نویسان دنبال خواهیم کرد.

۱-۲ - مفهوم لغوی عاقله

در کتاب‌های فرهنگ لغات زبان‌های مختلف عاقله به معنی دیه آمده و غالباً به مفهوم تکلیف و وظیفه و آنچه که خویشان قاتل عهده‌دار پرداخت آن می‌باشند تعریف شده است. چنان که در لسان‌العرب گفته شده است: «عقل در زبان عرب به معنی دیه است (سمیت عقلا لأن الدیه) چون دیه در زمان جاهلی در نزد عرب عبارت از شتر بود و اغلب اموال و دارایی آن‌ها را شتر تشکیل می‌داد و دیه مقتول را نیز با آن می‌پرداختند.» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۶۷/۱۱) در مصباح المنیر چنین گفته شده است: «عقلت البعیر عقلا» یعنی این که وسط ذراع شتر را با طنابی بستم و این واژه به معنای عقال است. و اگر گفته شود (عقلت القتیل عقلا)، به معنای پرداخت دیه آن مقتول است، دیه را عقل نامیدن به جهت مصدری آن است. به این مناسبت که شتری که برای دیه آماده کرده بودند، در خانه‌ی ولی دم مقتول عقال می‌کردند، آنگاه به خاطر کثرت استعمال، بر خود دیه اطلاق شده است؛ (عقلت عنه) به معنای دادن غرامت و خسارت است و یا هر چیزی که از باب دیه و یا غرامت‌های دیگر باید پرداخت کند.» (فیومی، ۱۳۴۷: ۸۲ / ۲) در مجمع البحرین عاقله از عقل و به معنی بستن و محکم کردن آمده است: «العقال و هو الحبل الذی یشد به البعیر به معنی ریسمانی که با آن شتر را می‌بندند تعریف شده است. چون خویشان قاتل شتران را به آستانه‌ی خانه اولیای مقتول می‌بستند، از این جهت به ایشان عاقله گفته‌اند.» (طریحی، ۱۳۶۲: ۴۲۷ / ۵) در مفردات در معنای عاقله آمده است: «عقل به معنی امساک، وضع شده و به معنی بستن شتر با طناب نیز گفته می‌شود و به معنی دیه نیز آمده است.» (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۳۴۲) صاحب جواهر فقیه صاحب نام و پرآوازه مکتب امامیه در کتاب فقهی جواهر‌الکلام در تعریف عاقله چنین اظهار نموده است: «عاقله را عاقله نامیده‌اند، چون شتران را به عنوان دیه در کنار خانه‌ی

اولیای دم مقتول می‌بستند. یا این که قاتل در ارتکاب قتل مانع می‌شوند. یا این که عقل را یعنی دیه را از جانی به گردن می‌گیرند.» (صاحب جواهر، ۱۳۹۸: ۴۲ / ۴۱۳) در ترمینولوژی حقوق آمده است: «عاقله از عقل به منع و نگه دارنده و مواظبت کننده است.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ۴۴۱)

۲-۲ - مفهوم اصطلاحی فقهی و حقوقی عاقله

محقق حلی صاحب کتاب شرایع الاسلام عاقله را همان عصبه یعنی خویشاوندان و اقارب پدری قاتل تعریف کرده است که به خطا کسی را کشته است. (محقق حلی، ۱۴۰۹: ۱۰۵۳ / ۴) صاحب جواهر در تعریف عاقله چنین اظهار نموده است: «بنا به قول مشهور عاقله عبارت از عصبه است. علاوه بر عصبه شخص به ترتیب معتق و ضمان جریره و امام علیه‌السلام نیز عاقله هستند. ولی ترتیب آنان ترتیب ارث بردن است.» (صاحب جواهر، ۱۳۹۸: ۴۲ / ۴۱۳)

آیت‌الله خوئی در مبانی تکمله المنهاج آورده است: «عاقله جانی عصبه او است و عصبه یعنی خویشاوندان ذکور پدری همانند برادران و عموها و فرزندان آنها و هر چه که پایین‌تر روند.» (خوئی، ۱۳۹۶: ۲ / ۴۳۷) امام خمینی عالم اسلام شناس در کتاب ارزشمند فقهی تحریرالوسیله در تعریف اصطلاحی عاقله چنین اظهار نموده است: «عصبه عبارت است از معتق، سپس ضمان جریره و سپس امام علیه‌السلام. و ضابطه عصبه، کسی است که توسط پدر و مادر با پدر قرابت خویشاوندی دارد همانند برادران و اولاد آن‌ها اگرچه پایین بروند و عموها و فرزندان آن‌ها اگرچه پایین بروند.» (امام خمینی، ۱۳۹۰: ۲ / ۵۹۹) در قوانین موضوعه ایران، مقنن در ماده ۴۶۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در تعریف عاقله اشعار می‌دارد: «عاقله عبارت از پدر، پسر و بستگان ذکور نسبی پدری و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث است. همه و کسانی که در زمان فوت می‌توانند ارث ببرند به صورت مساوی مکلف به پرداخت دیه می‌باشند.» (منصور، ۱۳۹۴: ۱۷۰) چنانکه ملاحظه شد از نظر فرهنگ لغت‌شناسان عرب دیه همان خونبها در زبان فارسی معنی شده است. در اندیشه فقهی فقیهان امامیه عاقله کسی است

وسلم به دلیل شرایط اجتماعی موجود مسأله ضمان عاقله را در پرداخت دیه قتل خطایی محض مورد امضاء قرار داده است.» (احمدوند، ۱۳۷۸، ۱۵۶) روایات وارده از حضرات معصومین علیهم‌السلام در مسأله، مبتنی بر الزام آن از سوی عاقله و اجماعی که در لسان فقهای امامیه بلکه فقهای اسلام اقامه شده، ثبوت حکم آن را امری روش و مبرهن می‌نمایاند. اشتها فتوایی و نصوص شرعیه هم بر همین مطلب دلالت دارد که حکم دیه قتل خطائی، بر عهده عاقله است. در صورتی که با بیینه ثابت شده باشد اما اگر غیر بیینه ثابت شود بر عهده خود قاتل است. شیخ صدوق در بیان این حکم روایتی از حضرت علی علیه‌السلام در کتاب من لایحضره الفقیه نقل کرده است: حضرت فرموده‌اند: «عاقله ضامن نیست مگر آنچه با بیینه ثابت شده است و مردی خدمت امام آمد و اقرار به قتل کرد، امام علیه‌السلام دیه آن را در مال خودش که مقرر بود قرار داد و عاقله را در هیچ چیزی از آن ضامن نکرد.» (صدوق، ۱۴۰۶: ۱۰۷/۴) مشابه همین روایت در وسائل الشیعه، از معتبره زید بن علی از پدران گرامی‌شان گزارش شده است: لاتعقل العاقله الا ما قامت علیه البینه، قال: «و اتاه رجل فاعترف عنده فجعله فی ماله خاصه و لم یجعل علی العاقله شیئا. عاقله دیه را پرداخت نمی‌کند مگر در جنایتی که با بیینه ثابت شده باشد و فرمود شخصی خدمت آن حضرت آمد و به جنایتی اعتراف و اقرار کرد، و حضرت او را به پرداخت دیه از مال خودش محکوم کرد و چیزی از دیه را بر عهده عاقله نگذاشت.» (حرعاملی، ۱۳۸۸: ۳۰۶/۱۹) روایت سکونی از امام صادقین علیه‌السلام از جد بزرگوارشان حضرت علی علیه‌السلام فرموده است: «العاقله لاتضمن عمداً، ولا اقراراً و لاصلاً. عاقله؛ عمد، اقرار و صلح را ضامن نیست.» (حرعاملی، ۱۳۸۸: ۳۰۲/۱۹) روایت ابوبصیر از امام باقر علیه‌السلام فرموده است: «لاتضمن العاقله عمداً، ولا اقراراً و لاصلاً. عاقله در جنایت عمدی و اقرار قاتل خطایی و صلح ضمانتی نخواهد داشت.» (حرعاملی، ۱۳۸۸: ۳۰۲/۱۹)

که دیه مقتول را می‌پردازد و همان خویشان و اقارب پدری قاتل هستند. به هر حال بررسی معانی لغوی و مفاهیم اصطلاحی عاقله، این کلمه را با الزام به ادای آن، آشکار می‌سازد.

۳- روش تحقیق: در این مطالعه توصیفی-تحلیلی، منابع و قوانین مربوط به الزام و ادای دیه قتل خطائی و نیز با تفحص و استقرای تام در آثار گرانها و میراث فقهی به جا مانده از علمای امامیه و بنیان‌گذاران متون جزایی به صورت هدفمند احصاء گردید. روش تحقیق و الهام‌بخش این پژوهش که پژوهشگران مقاله بدان پرداخته‌اند بصورت توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد.

بحث و نظر

در این بخش، بررسی علت تشریح حکم ضمان و ثمره نزاع و بحث وجوب تکلیفی و وضعی بودن حکم ضمان مورد بحث قرار خواهیم داد. سپس با بیان اجمالی این دو موضوع از اقوال فقهی به طور تفصیلی به شرح و توضیح دو نظریات مطرح شده می‌پردازیم؛ دلایل و مستندات هر یک از اقوال آنان را نیز مورد کنکاش قرار می‌دهیم و در لابلا ادله قائلین نظریه وجوب تکلیفی براساس مطالعه در منابع به نقد آن اشاراتی خواهد شد.

۱- ضمان عاقله و علت تشریح حکم

بر اساس فقه جزائی اسلام، در قتل خطائی، استحقاق دیه به صاحبان خون امری روشن و مبرهن است. دلیل مشروعیت آن علاوه بر اخبار و روایات و اجماع، آیه کریمه ۹۲ سوره نساء... وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَ مَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ دِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا می‌باشد. این آیه، مشهورترین آیه‌ای است که در ارتباط با مسأله ثبوت دیه و مشروعیت آن، شایسته تدبیر و تعمق بیشتر بوده و در آن به صراحت از حق استیفای صاحبان خون یاد شده است. «پیامبر اسلام صلوات‌الله‌علیه و آله

عاقله را وضعی بدانیم، ضمانت بر عهده عاقله قرار خواهد گرفت یعنی خود عاقله مسؤول پرداخت دیه به حساب می‌آید نه قاتل خطائی. چنانکه روایات مؤید این مطلب می‌باشد. اما در صورتی که به تکلیفی بودن ضمان عاقله معتقد باشیم، مسؤول، خود قاتل خواهد بود. ضمانت متوجه او می‌گردد و در این صورت تنها نقش عاقله از این جهت است که از طرف قاتل، دیه را می‌پردازد. چون شخص قاتل مسؤول به حساب می‌آید و دینی که در ذمه او بوده است را عاقله از طرف او اداء می‌کند. بنابر این، نتیجه و ثمره بحث حکایت از آن دارد که چه کس یا کسانی مسؤول پرداخت دیه‌ی مزبور می‌باشند. تبیین این مسأله به درستی، بار سنگینی را از دوش سایرین برمی‌دارد.

نظر نگارنده مسؤول بر معتبر بودن وجوب وضعی تصریح دارد، چنان که کاوش‌های فقهی حکایت از آن دارد.

۳- بررسی نظریات فقهیان، دلایل و مستندات هر یک از اقوال آنان

فقیهان مکتب امامیه در صدد تطبیق نهاد دیه بر اساس منابع موجود در نظام حقوقی اسلام برآمده‌اند و به هنگام مواجه با این سؤال که کیفیت انتقال ضمان از قاتل به عاقله چگونه است و آیا اصلاً ضمان عاقله به نحو حکم وضعی است یا حکم تکلیفی؟ واکنش‌هایی مطرح شده و هر یک به نحوی تئوری و نظریات اجتهادی خود را با استناد به ادله و شواهد، تبیین نموده‌اند. با تتبع و کاوش در آثار و تألیفات و تصنیفات به جا مانده از آنان آنچه که روشن می‌شود که در مجموع، دو رویکرد فقهی در موضوع مورد بحث وجود دارد که می‌توان آن را چنین اظهار کرد: ۱- ثبوت دیه بر عهده عاقله از باب وجوب وضعی است. ۲- ثبوت دیه بر عهده عاقله از باب وجوب تکلیفی است نه وضعی. در اینجا به چند مورد از کلمات فقها اشاره می‌کنیم تا بتوانیم به یک جمع‌بندی درست در این موضوع دست یابیم: مشهور فقیهان

با تتبع در آثار و تألیفات و تصنیفات فقیهان نامدار مکتب تشیع تا جایی که بیشتر ایشان آنچنان که از کتب تحریرالوسيله، مبانی تکمله‌المنهاج و جواهرالکلام نقل شد بر این نظرند: «در قتل خطائی شخص پرداخت کننده دیه، عاقله است وی مکلف به پرداخت آن می‌باشد و در صورتی که اثبات جنایت با اقرار ثابت شود، به عهده خود جانی است.» (امام خمینی، ۱۳۹۰: ۵۸۸ / ۲) مقنن متأثر از این نظریه فقهی و موافق با نظر مشهور، آن را به عنوان یک رویه قانونی پذیرفته است. چنان که ماده ۴۶۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشعار می‌دارد: «در جنایت خطای محض در صورتی که جنایت با بینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود، پرداخت دیه بر عهده عاقله است و اگر با اقرار مرتکب یا نکول او از سوگند یا قسامه ثابت شود به عهده خود او است.» علامه حلی فقیه کثیر التالیف از اکابر فقه در باره علت تشریح حکم چنین نگاشته است: «علت و فلسفه تشریح مسؤولیت عاقله این است که در جهت جلوگیری از بطلان خون مسلمان، آن‌ها مسؤول پرداخت دیه در قتل خطایی هستند. زیرا خون مسلمان نباید هدر رود لایبطل دم امرئ مسلم.» (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۷ / ۲۹۸)

استدلال به لسان معصوم در عبارت لایبطل دم امرئ مسلم و همخوانی برخی روایات با همین درون‌مایه و با واژگانی همسان با این فراز، برهانی پرتوان و بن‌مایه‌ای بر این مدعا است که درستی نظریه الزام عاقله به پرداخت دیه به صاحبان خون را بخوبی روشن و آشکار می‌نماید.

۲- ثمره بحث وجوب وضعی و تکلیفی ضمان عاقله

در پاسخ به سؤال دوم این نوشتار که آیا وجوب تکلیفی یا وضعی بودن مسأله، تأثیری در تعیین شخص یا اشخاص پرداخت کننده دیه خواهد داشت؟ یا چنین چیزی مطرح نیست، برای دست‌یابی و تحقق به این پرسش لازم است به ثمره و نتیجه بحث وجوب وضعی و تکلیفی بودن ضمان عاقله پرداخته شود تا از رهگذر آن به حکم مسأله رهنمون شد. حال در پاسخ می‌گوییم در صورتی که حکم ضمان

مکتب شیعی به ثبوت دیه بر عاقله حکم داده‌اند از جمله شهید ثانی فقیه صاحب نام قرن دهم هجری در کتاب مسالک در باب همین موضوع، از آن به عنوان اظهار تعبیر کرده و چنین اظهار نظر نموده است: «با آنکه این مسأله اختلافی است لیکن اظهار به مذهب ما آن است که ادای دیه از ابتداء بر عهده خود عاقله است زیرا روایات بر آن دلالت می‌کند. لیکن صحیح‌تر آن است که بگوئیم قاتل ضمانتی ندارد.» (شهید ثانی، ۱۳۹۹: ۵۱۲ / ۲) مشابه همین حکم را می‌توان در کلام فقیه دیگر شیعی، علامه حلی فقیه نامدار قرن هفتم و هشتم نیز مشاهده کرد. ایشان در این زمینه نیز این نظر را به مشهور نسبت داده و خود نیز بر آن تمایل نشان داده چنین اظهار نموده: «مشهور در میان اصحاب امامیه این است که حکم دیه از ابتداء وظیفه عاقله بوده و حتی با وجود قاتل هم نمی‌تواند به او مراجعه کند.» (علامه حلی، بی‌تا: ۲ / ۲۳۲) شیخ طوسی فقیه پرآوازه قرن چهارم و پنجم هجری، شاگرد مبرز شیخ مفید در بخشی از کتاب الخلاف به شرح و تفسیر امور در باب همین موضوع پرداخته و در قسمتی از سخنان خود چنین اظهار نظر نموده: «اخبار و روایاتی داریم مبنی بر اینکه دیه از ابتداء بر عهده عاقله است و در هیچ یک از آن اخبار، گفته نشده دیه قتل خطایی و وظیفه قاتل بوده باشد و بعد به عاقله انتقال یافته شود.» (طوسی، ۱۳۸۲: ۴۰۴ / ۲) مشابه همین حکم را می‌توان در کلام فقیه دیگر شیعی، فاضل اصفهانی از فقهای مفاخر و صاحب نام قرن یازدهم و دوازدهم هجری در کشف اللثام نیز مشاهده کرد. ایشان در این زمینه چنین اظهار نموده: «پرداخت دیه از ابتداء وظیفه عاقله است و اصل براءت ذمه دیگران از جمله خود جانی از آن است.» (فاضل اصفهانی، ۱۴۲۴: ۲ / ۳۵۰)

از مجموع عباراتی که از چند مشایخ بزرگ شیعه نقل کردیم، می‌توان به یک نتیجه واحد دست یافت و آن اینکه در فرآیند اخذ دیه در قتل خطایی مراجعه به قاتل موضوعیتی نداشته و قتل خطایی تنها موجب ثبوت دیه بر عهده عاقله است و اینکه عاقله آن را به صاحبان خون می‌پردازد. از یک‌سو،

اطلاقات چندین روایت معتبره نیز بر همین مطلب دلالت می‌کند و از سوی دیگر، مناسبت موضوع و حکم و اینکه امام جزء عاقله است نه قاتل، این نظریه را تقویت می‌نماید. مضافاً اینکه، این حکمی است که در فتاوی‌ای عده‌ای از فقیهان مشهود است.

عده‌ای از فقیهان مکتب شیعی معتقدند ثبوت دیه بر عهده عاقله از باب وجوب تکلیفی است نه وضعی. مرحوم نجفی در شرح خود بر کتاب شرائع محقق، حکم الزام به پرداخت دیه توسط عاقله را از باب وجوب تکلیفی دانسته است نه وضعی. (صاحب جواهر، ۱۳۹۸: ۴۴۶ / ۴۲) مشابه همین حکم را می‌توان در کلام فقیه برجسته فقه و فقاہت، آیت‌اله خویی نیز مشاهده کرد. ایشان نیز بر آن نظر تمایل نشان داده است. (خویی، ۱۳۹۶: ۴۴۹ / ۲) البته نظر آنان اینگونه تقریر شده که در صورت عدم وجود عاقله و در صورت فقر و ناتوانی از تمکن مالی، مسؤولیت متوجه خود قاتل می‌شود. در نهایت صاحب جواهر فقیه ممتاز و برجسته قرن هفتم در اثر ارزنده شرح خود بر شرائع محقق، نظر خود را چنین بیان کرده است: «انما الکلام فی اصل المسأله، فنقول: انه و ان کان المغروس فی الذهن ان دیه الخطاء علی العاقله ابتداء الا ان التدبر فی النصوص و قاعده اختصاص الجنابه بالجانی دون غیره، انها علیه و ان ادت العاقله عنه. بحث در اصل مسأله است. پس می‌گوییم: آنچه ابتدئاً در ذهن ما است این است که دیه خطاء از ابتداء بر عهده عاقله است. ولی اگر در روایات تدبّر بکنیم می‌بینیم که این طور نیست. بلکه تاوان جنایت جانی بر عهده خود او است و نه دیگری. منتها به دستور روایات عاقله به جای جانی دیه را می‌پردازد.» (صاحب جواهر، ۱۳۹۸: ۴۴۴ / ۴۲)

۳-۱- ادله موافقین نظریه وجوب تکلیفی الزام عاقله

طرفداران این نظریه، تئوری خود را با استناد به ادله و شواهد، تبیین نموده‌اند. مستندات و مدرکی که صاحب جواهر و آیت‌اله خویی با تکیه بر آنها به تکلیفی بودن ضمان عاقله

مال، وظیفه امام است که آن را اداء کند زیرا حق مسلمان نباید هدر رود.» (صاحب جواهر، ۱۳۹۸: ۴۲ / ۴۴۵-۴۴۳)

- روایت زراره از امام باقر علیه السلام که از آن به صحیحه تعبیر شده است؛ در مورد وقوع قتل خطایی در ایام ماه حرام آن حضرت در پاسخ فرموده‌اند بر قاتل است دیه کامل را بپردازد و دو ماه متوالی و پشت سر هم در همان ماه‌های حرام روزه بگیرد. صاحب میانی تکمله المنهاج در تقریر این روایت چنین نگاشته است: «روایت ظهور دارد در این مطلب، دیه قتل خطایی از مال قاتل است و قاتل مطلقاً مکلف به ادای آن است ولو اینکه قتل خطایی محض باشد.» (خویی، ۱۳۹۶: ۲ / ۴۴۵)

- صحیحه محمد حلبی مبنی بر اینکه عمد نابینا خطا محسوب می‌شود. آیت‌اله خویی درباره این صحیحه چنین اظهار نموده است: «از این صحیحه چنین استفاده می‌شود که این روایت بر این مطلب دلالت دارد که دیه در قتل خطایی از ابتداء بر عاقله تحمیل می‌شود و اگر عاقله نبود، بر خود قاتل واجب است که دیه را بپردازد و ظاهر این است که امام علیه السلام کبری را بر مورد سؤال سائل تطبیق کرده است. بنابراین حکم مذکور در این روایت حکم عام و کلی است و به مورد روایت یعنی شخص نابینا اختصاص ندارد.» سپس ایشان اشکالی را مطرح می‌کند و آن اینکه در این روایت تنها عدم وجود عاقله بیان شده و به عجز و ناتوانی عاقله از پرداخت دیه در این روایت اشاره نشده است. آنگاه خود مرحوم خویی پس از طرح اشکال جواب مسأله را اینگونه می‌دهد و می‌گوید: «لیکن تردیدی نیست که حکم عدم وجود عاقله با حکم عجز و ناتوانی عاقله از پرداخت یکسان است و از روایت مذکور این حکم استفاده می‌شود که عاقله ناچار از پرداخت دیه است در صورت امکان و الا دیه از خود قاتل گرفته می‌شود.» (خویی، ۱۳۹۶: ۲ / ۴۴۹)

مقتن با انشاء ماده ۴۷۰ قانون مجازات اسلامی بر این نظریه صحه گذاشته است و با استناد به ماده مذکور مقرر نموده

تمسک جست‌اند و نظریات اجتهادی خود را با استناد به ادله و شواهد، تبیین نموده‌اند به قرار ذیل فهرست می‌شود:

- وحدت سیاق از آیه و ما کانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَ مَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ دِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا (نساء/ ۹۲). نحوه تقریر مرحوم نجفی در شرح خود بر شرائع این گونه عنوان کرده است: «در این آیه خداوند متعال کفار و دیه را در کنار هم گنجانده و مسلم است که کفار بر عهده خودقاتل است، لذا وحدت سیاق اقتضاء می‌کند دیه هم بر عهده خود او باشد.» (صاحب جواهر، ۱۳۹۸: ۴۲ / ۴۴۵)

آیت‌اله خویی فقیه صاحب رأی در اثر گرانبهای تکمله المنهاج، به همین مطلب اشارتی دارد. ایشان در نحوه استدلال به آیه با بیانی دیگر نظر خود را تقریر نموده: «آیه ظهور دارد بر این که ثبوت دیه در ذمه قاتل است همانگونه که او مکلف و موظف است با آزاد کردن بنده‌ی مومن، کفار بپردازد، مکلف و موظف به ادای دیه نیز خواهد بود.» (خویی، ۱۳۹۶: ۲ / ۴۴۹)

- روایت ابی العباس از امام صادق علیه السلام که از آن به صحیحه تعبیر شده است. در خبر بقباق از امام صادق علیه السلام آمده است که راوی می‌گوید: «از آن حضرت در مورد خطایی که دیه و کفار دارد، پرسیدم آیا خطاء این است که از روی عمد بزند ولی قصد قتل را نداشته باشد؟ حضرت در جواب فرمودند: آری. سپس پرسیدم اگر کسی می‌خواست گوسفندی را بزند به انسان اصابت کند حکمش چیست؟ آن حضرت در پاسخ فرمودند: ذلک الخطاء الذی لاشک فیهِ علیه الدیه و الکفار. این بی‌شک و بی‌شبهه خطاست. دیه و کفار بر عهده اوست که آن را بپردازد.» (صاحب جواهر، ۱۳۹۸: ۴۲ / ۴۴۳؛ خویی، ۱۳۹۶: ۲ / ۴۴۹)

- روایت ابی عبیده از امام باقر علیه السلام که از آن به موثقه تعبیر شده است در خصوص شخص نابینا که چشم شخص سالم و بینا را درآورده امام در پاسخ فرمودند: «عمد نابینا همانند خطا است. دیه را شخص نابینا بپردازد و در صورت نداشتن

– روایت گزارش شده از ابوبصیر در منابع روایی محدثان شیعه که در سلسله روایان آن آمده است: «محمد بن یعقوب، عن علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن ابن محبوب، عن علی بن ابی حمزه، عن ابی بصیر، عن ابی جعفر علیه السلام قال: لا تضمن العاقله عمداً، و لا اقراراً، و لا صلحاً.» ابوبصیر از امام باقر علیه السلام روایت کرده است. آن حضرت فرموده‌اند: عاقله، عمد،

اقرار و صلح را ضامن نیست. (حرعاملی، ۱۳۸۸: ۱۹/۳۰۲)

– روایت گزارش شده از سکونی که چنین منعکس شده است: «باسناده عن النوفلی، عن السکونی، عن جعفر، عن ابیه ان امیرالمومنین علیه السلام قال: العاقله لا تضمن عمداً، و لا اقراراً، و لا صلحاً.» سکونی از امام صادق و از حضرت علی علیهما السلام روایت کرده که ایشان فرموده‌اند: عاقله ضامن عمد، اقرار و صلح نیست. (حرعاملی، ۱۳۸۸: ۱۹/۳۰۲)

آیت‌اله خویی بر این دو روایت خدشه وارده کرده و آن دو را قابل استناد نمی‌داند. ایشان در مورد روایت اول، روایت ابوبصیر را به جهت وجود علی‌بن‌حمزه در سندش ضعیف دانسته و در مورد روایت دوم مربوط به سکونی است به جهت اینکه در طریق شیخ طوسی تا نوفلی ضعف وجود دارد. ایشان نتیجه می‌گیرد که الزام عاقله به پرداخت دیه جنایت خطایی یک حکم وضعی را ثابت نمی‌کند بلکه این یک تکلیف محض است. (خویی، ۱۳۹۶: ۲/۴۵۰) اما ما در نقد بر نظر ایشان می‌گوییم: معیار حجیت خبر واحد وثاقت راوی و مورد اطمینان بودن وی در نقل حدیث است. از این‌رو، فقها احادیث نقل شده از معصومان علیهم‌السلام توسط مخالفان مذهب ما را که راوی آنها فردی ثقه باشد معتبر دانسته و بدان استناد کرده‌اند.

– ظهور برخی روایات از جمله روایات سلمه بن کهیل شیخ حر عاملی در وسایل الشیعه با ذکر سلسله روایان حدیث این روایت را در ابتدای ابواب عاقله آورده است: مردی را در کوفه خدمت امیرالمومنین علیه‌السلام آوردند که مردی را به خطا کشته است. امیرالمومنین علیه‌السلام از او پرسید قوم و

است: «در صورتی که مرتکب، دارای عاقله نباشد، یا عاقله او به دلیل عدم تمکن مالی نتواند دیه را در مهلت مقرر بپردازد، دیه توسط مرتکب و در صورت عدم تمکن، از بیت المال پرداخت می‌شود. و در این مورد، فرقی میان دیه نفس و غیر آن نیست.» (منصور، ۱۳۹۴: ۱۷۰)

۳-۲- آرای فقها در ثبوت وضعی بودن دیه

شهید شارح در شرح خود بر شرائع آورده است: «لیکن اظهر به مذهب ما آن است که ادای دیه از ابتداء بر عهده خود عاقله است زیرا روایات بر آن دلالت می‌کند. لیکن صحیح‌تر آن است که بگوئیم قاتل ضمانتی ندارد.» (شهیدثانی، ۱۳۹۹: ۲/۵۱۲)

علامه کثیرالتألیف نیز می‌گوید: «مشهور در میان اصحاب امامیه این است که حکم دیه از ابتداء وظیفه عاقله بوده و حتی با وجود قاتل هم نمی‌تواند به او مراجعه کند.» (علامه‌حلی، بی‌تا: ۲/۲۳۲)

شیخ طوسی از چهره‌های درخشان فقه و فقهات در کتاب الخلاف چنین اظهار نظر نموده: «اخبار و روایاتی داریم مبنی بر اینکه دیه از ابتداء بر عهده عاقله است و در هیچ یک از آن اخبار، گفته نشده دیه قتل خطایی وظیفه قاتل بوده باشد و بعد به عاقله انتقال یافته شود.» (طوسی، ۱۳۸۲: ۲/۴۰۴) صاحب کشف اللثام معتقد است: «پرداخت دیه از ابتداء وظیفه عاقله است و اصل برائت ذمه دیگران از جمله خود جانی از آن است.» (فاضل هندی، ۱۴۲۴: ۲/۳۵۰)

با واکاوی و تتبع در منابع و ظاهر عبارات کلمات فقها آشکار می‌شود برخی از آنان به ثبوت دیه بر عهده عاقله از باب وجوب وضعی حکم داده‌اند. امام خمینی نسبت به آن تمایل داشته است. حکم به ثبوت دیه از باب وجوب وضعی دانسته است. (امام خمینی، ۱۳۹۰: ۲/۵۵۸)

۳-۳- ادله موافقین نظریه وجوب وضعی الزام عاقله

مستندات و مدرکی که برخی از فقیهان با تکیه بر آنها به وضعی بودن ضمان عاقله تمسک جستند و نظریات اجتهادی خود را با استناد به ادله و شواهد، تبیین نموده‌اند به قرار ذیل فهرست می‌شود:

کرده‌اند. اما بسیاری از اکابر فقه با تلقی به قبول روایت سلمه بن کهیل نسبت به مضمون آن فتوا داده‌اند و این نیز ضعف سند را جبران نموده است و تردید در آن را برطرف می‌کند. انصاف هم همین است. از سوی دیگر، معیار حجیت خبر واحد وثاقت راوی و مورد اطمینان بودن وی در نقل حدیث است. از این رو، فقها احادیث نقل شده از معصومان علیهم‌السلام توسط مخالفان مذهب ما را که راوی آنها فردی ثقه باشد معتبر دانسته و بدان استناد کرده‌اند از طرفی دیگر، بدلیل بدهت عقلی استناد به روایات مرسل جایز، بلکه رجحان می‌باشد. (مدیرشانه‌چی، ۱۳۸۸: ۱۵۲)

حاصل کلام؛ درنگ و تدبّر در کلمات و جملات بسیاری از فقیهان، از نقل به معنا و تلقی به قبول آنان سبب قطع به این مطلب می‌شود که در مسأله مورد بحث، روایت مذکور، پذیرفتنی و درست است و می‌توان با اطمینان خاطر و بدون دغدغه در اثبات مسأله وجوب وضعی ضمان عاقله از آن بهره جست و بدان استناد کرد. و انصاف این است که استدلال به روایت سلمه بن کهیل و روایات دیگر با همین درون‌مایه به بیان یاد شده، برهانی پُرَتوان و متین برای مدعای ماست.

۴- تحلیل و بررسی

از تفحص و استقرای تام در آثار گرانبها و میراث فقیهان مکتب امامیه در خصوص مسأله‌ی وجوب وضعی ضمان عاقله و وجوب تکلیفی بودن آن با دو گروه مواجه می‌شویم که منشاء اختلاف نظریاتشان از یک سو، فهم متفاوت از ادله شرعی، تفاوت مبنایی و اجتهادی این دسته از فقیهان بوده و از سوی دیگر، برخی روایات و قرائن دیگر، معتبر و مکفی شمرده شده است. با تدبّر در عبارات و کلمات عالمان دین‌باور، در خصوص ضمان عاقله به ادای دیه در قتل خطایی به صاحبان خون در فروض مسأله، از آنچه گفته‌ایم روشن می‌شود که این سخن را می‌توان به این معنی گرفت که

قبیله‌ات چه کسانی هستند؟ عرض کرد: من در این شهر قوم و قبیله‌ای ندارم. فرمود: از کدام شهر هستی او عرض کرد، من از شهر موصل هستم و در آنجا به دنیا آمده‌ام و خویشان و خانواده‌ام در آن شهر هستند. امیرالمومنین علیه‌السلام پرسش کردند و در کوفه برای این شخص خویشاوند و قبیله‌ای پیدا نکرد. به کارگزار خود در موصل نوشت: اما بعد، فلان بن فلان با این مشخصات مرد مسلمانی را به خطا کشته است و می‌گوید که از اهالی موصل است و در آنجا خانواده و خویشاوند دارد. اگر از اهل موصل از کسانی که آنجا متولد شده‌اند از مسلمانان خویشاوندانی برای او یافتی آنان را نزد خود جمع بکن. سپس نگاه کن اگر از آنان مردی هست سهم مشخصی در قرآن دارد و مانع ارثی وجود نداشت، او را به پرداخت دیه الزام کن.... فراز آخر این روایت مربوط به عدم وجود عاقله او است که امام علیه‌السلام چنین حکمی را بیان کرده است، من ولی او هستم و دیه را من به جای او می‌پردازم و خون مسلمان نباید باطل شود. (حرعاملی، ۱۳۸۸: ۱۹ / ۳۰۲-۳۰۱) مشابه همین روایت را می‌توان در آثار روایی شیخ کلینی و محدث شهیر صدوق مشاهده کرد. (کلینی، ۱۴۰۶: ۷ / ۳۶۳؛ صدوق، ۱۴۰۶: ۴ / ۱۳۹) مضمون این روایت در جواهرالکلام در باب عاقله نیز گزارش شده است. اما ایشان در سند این روایت اشکال کرده و گفته است راوی روایت سلمه بن کهیل ضعیف است. به دلیل اینکه او بتری بوده و مذمت شده است. (صاحب جواهر، ۱۳۹۸: ۴۲ / ۴۱۸-۴۱۹) مشابه همین فتوی از سوی مرحوم خوبی صاحب مبنای تکمله‌المنهاج صادر شده است: «... و هو استناد الی روایه سلمه بن کهیل عن امیرالمومنین (ع) و فی سلمه ضعیف... فلا مستند له فان روایه سلمه بن کهیل-مضافاً الی انها ضعیفه سنداً. هیچ مستندی به روایت سلمه بن کهیل وجود ندارد. زیرا این روایت از جهت سندی ضعیف است.» (خوبی، ۱۳۹۶: ۲ / ۴۳۷) اما ما در نقد بر این سخن می‌گوییم: در مورد استدلال به روایت سلمه بن کهیل گرچه در مورد سند آن اشکال

نتیجه‌گیری

برآیند نهایی و حاصل یافته‌های این تحقیق را به اختصار می‌توان در موارد ذیل فهرست نمود:

۱- با آنچه گفته شد این حقیقت آشکار می‌شود که دلالت دلیل‌های یاد شده الزام و تعهد به ادای دیه به صاحبان خون در قتل خطائی امری روشن و آشکار است. فقیهان از متأخرین و متقدمین، بر این مطلب استدلال متقن و توجّه تامی کرده‌اند و بر مشروعیت دیه به روایات قطعی، اخبار معتبره، اجماع و آیه شریفه ۹۲ سوره نساء استناد کرده‌اند.

۲- با تتبع و واکاوی در آثار و تألیفات و تصنیفات گرانبهای فقیهان نامدار مکتب تشیع تا جایی که بیشتر ایشان آنچنان که از کتب تحریرالوسیله، مبانی تکمله‌المنهاج و جواهرالکلام نقل شد، موافق با قول مشهور بر این نظرند: در قتل خطائی، شخص پرداخت کننده دیه، عاقله است؛ وی مکلف به پرداخت آن می‌باشد و در صورتی که اثبات جنایت با اقرار ثابت شود، به عهده خود جانی است. مقنن نیز متأثر از این نظریه فقهی و موافق با نظر مشهور، آن را به عنوان یک رویه قانونی پذیرفته است. چنان که ماده ۴۶۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشعار می‌دارد: در جنایت خطای محض در صورتی که جنایت با بینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود، پرداخت دیه بر عهده عاقله است و اگر با اقرار مرتکب یا نکول او از سوگند یا قسامه ثابت شود به عهده خود او است.

۳- با تتبع در آثار گرانبها و میراث فقهی به جا مانده از مرحوم نجفی در اثر ارزنده شرح خود بر شرائع و نیز اثر گرانسنگ مرحوم خویی در مبانی تکمله‌المنهاج آشکار می‌شود که اولین فقیهی که ضمان ابتدایی عاقله را نپذیرفته است صاحب جواهر بوده و پس از او، آیت‌الله خویی آن را تقویت کرده است.

۴- آنچنان که از کتب فقهی تحریرالوسیله، مبانی تکمله‌المنهاج و جواهرالکلام نقل شد، به خوبی بر واجب

استقرار دیه و ادای آن به صاحبان خون، تکلیفی است بر ذمه عاقله و وظیفه‌ای را بر خود قاتل واجب نمی‌سازد، چرا که طیف گسترده‌ای از دانشمندان مسلمان شیعی و نیز قانون‌نویسان بر این نظریه تمایل پیدا کرده‌اند. استدلال به ادله و مستندات ارائه شده از جمله کلام معصومین علیهم‌السلام در عبارت لایبطل دم امرء مسلم و روایات ابویصیر و سکونی از امامان باقر و صادق علیهما‌السلام که از سوی برخی از عالمان امامیه ارائه شده تامّ و تمام است، لیکن در مورد استدلال به روایت سلمه بن کهیل گرچه در مورد سند آن اشکال کرده‌اند. اما به جهت تلقی به قبول روایت، شمار کثیری از صاحب‌نظران فقه و فقهات نسبت به مضمون آن فتوی داده‌اند و این نیز ضعف سند را جبران می‌نماید و جای هیچگونه تردیدی در عمل به آن باقی نمی‌ماند. امام خمینی فقیه ممتاز و برجسته به عنوان نظریه فقیه اعلم بر این رأی تمایل نشان داده است و فتوایش را در این مسأله مبتنی بر این قول صادر کرده است. بنابر این، این فقیه نامدار مکتب علوی قائل به ادای آن از سوی عاقله هست و این نظریه اگرچه خلاف قول برخی از فقیهان است لیکن از یکسو، اطلاعات چندین روایت نیز این مطلب را تأیید می‌نماید و از سوی دیگر، حکم فقهی آن در فتاوی عده‌ای از علمای متأخر مشهود است؛ چنانکه از ابن ادریس حلی صاحب کتاب ارزنده سرائر بر ادعای اجماع ابن زهره مؤلف غنیه، مخالفتی گزارش شده است. استدلال به لسان معصوم در عبارت لایبطل دم امرء مسلم و همخوانی روایات سکونی و سلمه بن کهیل با همین درون‌مایه و با واژه‌گانی همسان با این فراز به بیان یاد شده، برهانی پُرَتوان و متین و بن‌مایه‌ای برای مدّعی این مقاله است که درستی نظریه وجوب وضعی بودن ضمان عاقله را بخوبی روشن و آشکار می‌کند. اگرچه قول وجوب تکلیفی بودن هم از ارزش و جایگاه فقهی والایی برخوردار است.

تعارض منافع: در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

سهام نویسندگان: نگارش متن توسط نویسنده نخست و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط سایر نویسندگان این مقاله صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از کلیه کسانی که در معرفی منابع و تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین کننده مالی بوده می‌باشد.

بودن تعهد عاقله به پرداخت و ادای دیه در قتل خطائی به صاحبان خون، دلالت می‌کند؛ گرچه عبارت‌های یاد شده این گروه از فقیهان در خصوص ضمان عاقله یا جانی، متفاوت است. منشاء اختلاف نظریاتشان از یک‌سو، فهم متفاوت از ادله شرعی، تفاوت مبنایی و اجتهادی این دسته از فقیهان بوده و از سوی دیگر، برخی روایات و قرائن دیگر، معتبر و مکفی شمرده است؛ چه این که آیت‌اله خوبی موافق با نظر صاحب جواهر بر وجوب تکلیفی تصریح نموده است. این دو فقیه نامدار معتقدند که دیه از ابتداء بر عهده قاتل است. در حالی که امام خمینی از قبول آن خودداری ورزیده است. لیکن آنچه از ظاهر کلمات و عبارات و رویکرد فقهی مؤلف تحریر الوسیله آشکار می‌شود این است که امام خمینی این فقیه نامدار و پرآوازه، مطلب یاد شده را نپذیرفته و بر این عقیده است که دیه از ابتدا بر عهده عاقله می‌باشد. بنابر این، این چهره درخشان مکتب علوی قائل به ضمان ابتدایی عاقله شده است و به وضعی بودن آن تصریح می‌نماید. از یک‌سو، اطلاعات چندین روایت نیز بر همین مطلب دلالت می‌کند و از سوی دیگر، حکمی است که در فتاوی‌ای عده‌ای از فقیهان متأخر مشهود است.

۵- مقنن با انشاء ماده ۴۷۰ قانون مجازات اسلامی متأثر از نظریه فقهی آیت‌اله خوبی و موافق با نظر مشهور، بر آن صحنه گذاشته است. و با استناد به ماده مذکور مقرر نموده است: در صورتی که مرتکب، دارای عاقله نباشد، یا عاقله او به دلیل عدم تمکن مالی نتواند دیه را در مهلت مقرر بپردازد، دیه توسط مرتکب و در صورت عدم تمکن، از بیت المال پرداخت می‌شود. و در این مورد، فرقی میان دیه نفس و غیر آن نیست.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت‌متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۳۹۸). *المبسوط فی فقه امامیه*. جلد اول، چاپ سوم، تهران: موسسه حیدریه.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن علی (۱۴۱۳). *قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام*. جلد اول، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن علی (بی‌تا). *مختلف الشیعه*. جلد دوم، بی‌جا: بی‌نا.
- فاضل اصفهانی، محمد (۱۴۲۴). *کشف اللثام*. جلد دوم، چاپ اول، قم: موسسه نشر اسلامی.
- فیومی، احمد (۱۳۴۷). *المصباح المنیر*. جلد دوم، قاهره: مطبوعات محمدعلی.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۶). *اصول و فروع کافی*. جلد اول، چاپ سوم، بیروت: دار الاضواء.
- محقق حلی، جعفر (۱۴۰۹). *شرایح الاسلام فی المسائل الحلال و الحرام*. جلد چهارم، چاپ سوم، قم: موسسه اسماعیلیان.
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۹۰). *تحریر الوسیله*. جلد دوم، قم: دار الکتب العلمیه اسماعیلیان نجفی.
- موسوی خویی، سیدابوالقاسم (۱۳۹۶). *مبانی تکمله المنهاج*. جلد دوم، قم: المطبعه العلمیه.
- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (۱۳۹۸). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. تصحیح و تحقیق و تعلیق شیخ رضا استادی، جلد چهل و دوم، تهران: انتشارات اسلامی.
- احمدوند، محمدطاهر (۱۳۸۷). *اختیارات حاکم در مدیریت جزا*. تهران: دفتر گسترش تولید علم دانشگاه آزاد اسلامی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۸). *ترمیم‌ولوژی حقوق*. تهران: گنج دانش.
- مدیرشانه‌چی، کاظم (۱۳۸۸). *علم الحدیث*. چاپ بیست و دوم، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- منصور، جهانگیر (۱۳۹۴). *قانون مجازات اسلامی کلیات- حدود- قصاص- دیات*. چاپ صد و سی و هفتم، تهران: نشر دیدار.

ب. منابع عربی

- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*. جلد یازدهم، بیروت: موسسه دار الکتب العربی.
- جعبی عاملی (شهیدثانی)، زین الدین (۱۳۹۹). *مسالك الافهام فی شرح شرائع الاسلام*. قم: انتشارات بصیرتی.
- حرعاملی، محمدبن حسن (۱۳۸۸). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. بتصحیح و تحقیق شیخ محمدالرازی، جلد دوازدهم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۲). *مفردات الفاظ قرآن*. تهران: انتشارات مرتضوی.
- شیخ صدوق، علی بن محمدبن بابویه (۱۴۰۶). *من لا یحضره الفقیه*. جلد چهارم، چاپ سوم، بیروت: دار الاضواء.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۶۲). *مجمع البحرین*. جلد پنجم، چاپ دوم، تهران: انتشارات مرتضوی.

References

- Ahmadvand, MT (2009). *The Role of Commander in Criminal Law*. Tehran: Islamic Azad University Office. (Persian)
- Allameh Helli, H (1392). *Qavaed Al-Ahkam*. Vol 1, Qum: Modarresin Publishing. (Arabic)
- Allameh Helli, H (N.D.). *Mokhtalaf Al-Shia*. Vol 2, N.P: N.P. (Arabic)
- Fayomi, A (1928). *Al-Mesbah Al-Monir*. Vol 2, Egypt: Mohammad Ali Publishing. (Arabic)
- Fazel Esfahani, M (2003). *Kashf Al-Losam*. Vol 2, 1st ed. Qum: Eslami Publishing. (Arabic)
- Hor Ameli, M (2010). *Vasa'el Al-Shia*. Vol 12, Beirut: Dar Ehya Torath Al-Arabi. (Arabic)
- Ibn Manzour, M (1993). *Lesan Al-Arab*. Vol 11, Beirut: Dar Ketab Al-Arabi Press. (Arabic)
- Jabaei Ameli, Z (2021). *Masalek Al-Afham*. Qum: Basiry Publishing. (Arabic)
- Jafari Langroudi, MJ (1990). *Terminology of Law*. Tehran: Ganje Danesh Publishing. (Persian)
- Khomeini, R (2012). *Tahrir Al-Vasileh*. Vol 2, Qum: Esmailian Publishing. (Arabic)
- Khuei, SA (2018). *Mabani Takmeleh Al-Menhaj*. Vol 2, Qum: Elmi Publishing. (Arabic)
- Koleini, M (1986). *Osoul A-Kafi*. Vol 1, 3rd ed. Beirut: Dar Al-Azva. (Arabic)
- Mansour, J (2016). *Islamic Criminal Law*. 137th ed. Tehran: Didar Publishing. (Persian)
- ModirShanehChi, K (2010). *Elm Al-Hadith*. 23th ed. Qum: Modarresin Publishing. (Persian)
- Mohaghegh Helli, J (1989). *Sharaye Al-Eslam*. Vol 4, 3rd ed. Qum: Esmailian Press. (Arabic)
- Najafi, MH (1398). *Javaher Al-Kalam*. Vol 42, Tehran: Eslami Publishing. (Arabic)
- Ragheb Esfahani, H (1984). *Mofradat Alfaz Qoran*. Tehran: Mortazavi Publishing. (Arabic)
- Sheikh Sadough, A (1986). *Man La Yahzor*. Vol 4, 3rd ed. Beirut: Dar Al-Azva. (Arabic)
- Tarihi, F (1984). *Majma Bahrein*. Vol 5, 2nd ed. Tehran: Mortazavi Publishing. (Arabic)
- Tousi, M (2020). *Al-Mabsout*. Vol 1, 3rd ed. Tehran: Heidarieh Publishing. (Arabic)